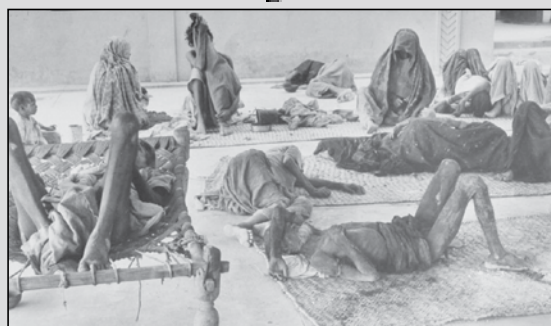


معرفی اسناد تاریخی سرزمین استرآباد
اوضاع استرآباد در وبای همه‌گیر
۱۲۸۴-۱۲۸۲ خورشیدی
(قسمت نخست)



مریم محمدشفیع*



مقدمه

پس از همه‌گیری بیماری وبا در سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین شاه در ایران، مجدداً در دوره‌ی مظفرالدین شاه این بیماری به ایران بازگشت. این بار هم مثل گذشته، بیماری وبا از افغانستان وارد ایران شد و از ایران به روسیه سرایت کرد. عبدالله مستوفی که در ایام سرایت وبا، کارمند کنسولگری ایران در کشور روسیه بود، در جلد دوم از کتاب «شرح زندگانی من» در این باره چنین نوشته است: «بروز مرض وبا در ایران، سال ۱۳۲۲ ق شروع و در این سال وبای عمومی از هندوستان به افغانستان و ایران سرایت کرد و بیش‌و کم مثل وبای سیزده سال قبل در همه جا موجب اتلاف نفوس گردید».^۱ «وبایی که در سال ۱۳۲۲ ق به ایران سرایت کرده بود، از راه قفقاز و ترکستان به خاک روسیه هم آمد و در سال ۱۳۲۵ ق به پطرزبورغ سرایت کرده و حتی عده تلفات به روزی هفتصد نفر هم بالغ شد، ولی البته با جمعیت یک میلیون ونیمی پطرزبورغ چندان زیاد نبود. ما در سفارت همگی از آقا و نوکر دو دفعه در فاصله یک هفته تلفیح کردیم. در این ضمن، ماه رمضان هم رسید، چون دکتر می‌گفت شکم پر و خالی، هردو برای گرفتن وبا استعداد دارد و روزه هم با هردو توأم است، بنابراین در رمضان سال ۱۳۲۵ تا روز ۱۸ رمضان روزه نگرفتم. ولی چون در این وقت عده اموات روزانه نصف شده بود، از ۱۹ تا آخر ماه را روزه گرفتم و چون وبا در شهر پطرزبورغ تا رمضان دیگر دوام داشت، قضای آن را به مراجعت ایران موکول کردم. وبا در پطرزبورغ مرض محلی شده بود، روزهای یکشنبه به جهت تعطیل و گردش مردم به خصوص عرق خوری عملجات، عده مبتلا که در ظرف هفته کم شده بود، باز زیاد می‌شد. اگر گاهی عید دیگری هم که در آن وقت در روسیه زیاد بود پیش می‌آمد، عده مبتلایان به دو سه مقابل هفته قبل می‌رسید و مدتی وقت لازم بود که به حالت قبلی برگردد».^۲

*مسئول مرکز اسناد

تاریخی مؤسسه
فرهنگی میرداماد

«پس از آنکه وبا از عراق به ایران آمد، کارگزاران دولت ایران در حفظ قرانتین دقت نکردند. رفته رفته از کرمانشاهان به همدان و از آنجا به قم و کاشان سرایت کرد و در عشر دوم ربیع الاول ۱۳۲۲، در طهران بروز کرد و کم و بیش مبتلا می شدند تا در عشر دوم ربیع الثانی شیوع به هم رسانید و روزی از سی تا چهارصد نفر را به هلاکت رسانید. مردم شهری یکباره از طهران به دهات شمیران فرار کردند و شاه نیز از ییلاق نیاوران به طرف قزوین در بیست و یکم ربیع الثانی حرکت کرد... پس از آنکه وبا در طهران شیوع به هم رسانید، تمام بزرگان طهران به اطراف رفتند. مختار السلطنه کریم خان سردار منصور که رئیس نرخ طهران و رئیس و وزیر احتساب بود در طهران برای نظم ماند و هر روزه خود به قبرستانها سرکشی کرد که مرده شور و قبرکن به مردم تعدی نمایند. در عشر دوم جمادی الاولی وبا در طهران بروز داد و روزی جمعی می میرند. بدین واسطه جنس از اطراف به طهران نمی آورند. نرخ در طهران خیلی ترقی کرده و خطر دارد که از این پس که قحطی سخت شود، در این ماه، هر عدد تخم مرغ در طهران به سیصد دینار رسیده، شش برابر قیمتش تا ماه پیش ترقی کرده، سایر اشیاء نیز ترقی دارد. وبا به اغلبی از شهرهای ایران نفوذ دارد»^۳. وبا از جمله بیماری های مهلک و ویرانگریست که بارها در سده ی سیزدهم هجری قمری در نقاط مختلف ایران، از جمله استرآباد، شایع شد و تلفات و خسارات فراوانی از خود به جای گذاشت. همه ساله تعداد زیادی کودک و پیر و جوان این سرزمین از بین می رفتند، اما کوچک ترین اقدامی برای مقابله یا حتی کاهش بیماری ها نمی شد. فقدان امکانات بهداشتی و قرنطینه بیماران مهم ترین علت فراگیری این بیماری ها و مهم ترین پیامدش، کاهش جمعیت ایران در عصر قاجار بود. علاوه بر این، در مواردی اعتراض و شورش های محلی، به دلیل بی توجهی حاکمان به وضع مردم، در این دوره دیده می شود. این بحران های اجتماعی اگرچه با مسائل دیگری پیوند می خورد، لکن ریشه ی بسیاری از آن ها در همین بی توجهی ها بود. در این شماره ی فصلنامه میرداماد اسناد کارگزاری وزارت خارجه و کنسولگری استرآباد درخصوص اقدامات پیشگیرانه جهت جلوگیری از شیوع بیماری وبای ۱۳۲۲ ق و حفظ سلامت اتباع روسی در استرآباد، معرفی خواهد شد.

توضیح: با توجه به این که خواندن رسم الخط اصیل اسناد ممکن است برای برخی از خوانندگان دشوار باشد، در بازنویسی متن اسناد، در مواردی که امکان بروز اشکال در خواندن متن وجود داشت، اصلاحاتی صورت گرفته است.

گزارش کارگزاری خارجه استرآباد درخصوص اصرار کنسول روس در اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از شیوع بیماری وبا در استرآباد

متن سند:

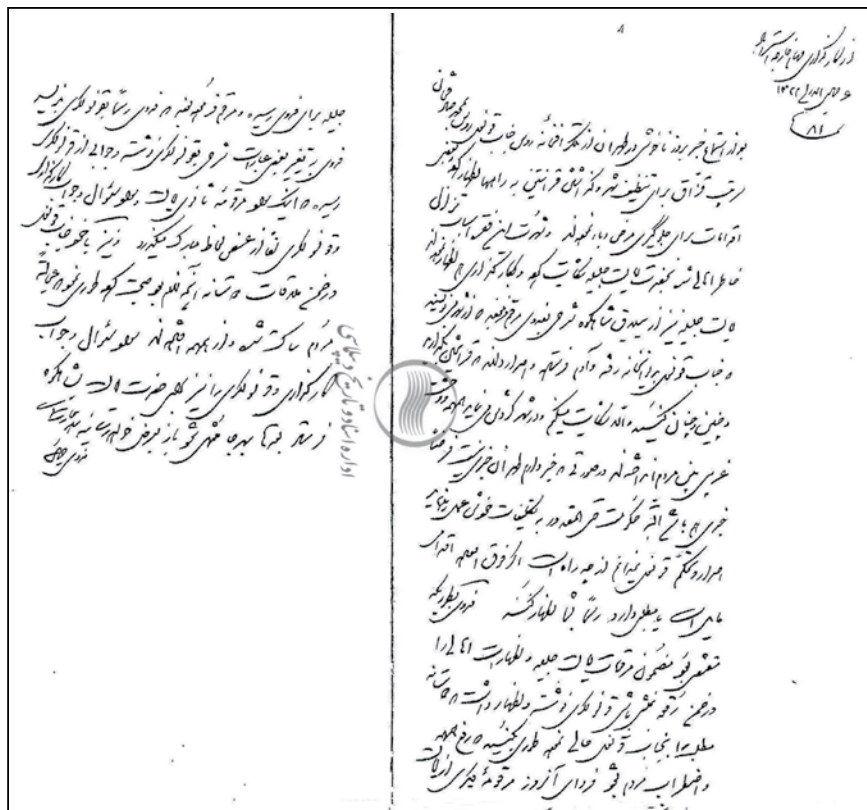
هو

از کارگزاری مهام خارجه استرآباد

۶ جمادی الاولی ۱۳۲۲ / نمره ۸۱

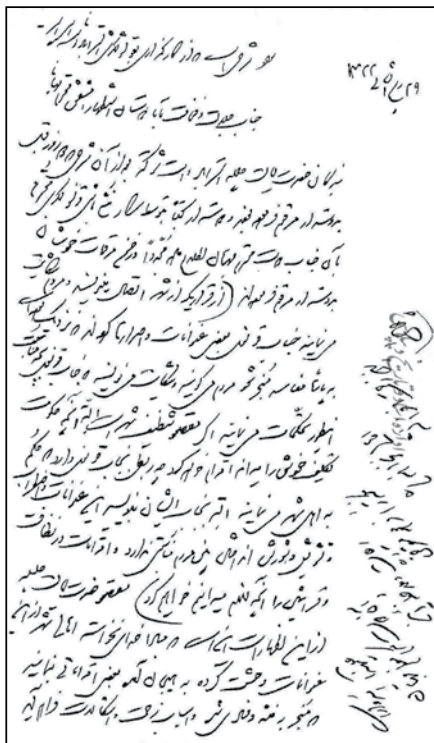
بعد از استماع خبر بروز ناخوشی در طهران از تلگرافخانه روس، جناب قونسول روس به محمدصادق خان

سرتیپ قزاق برای تنظیف شهر و گذاشتن قرانتین^۴ به راه‌ها اظهار کرده و بعضی اقدامات برای جلوگیری مرض وباء نموده‌اند و شهرت این فقره اسباب تزلزل خاطر اهالی شده، به حضرت ایالت جلیله شکایت کرده و به کارگزاری هم اظهار نموده‌اند، ایالت جلیله نیز از ییلاق شاهکوه شرحی به فدوی مرقوم فرمودند که «از شهر می‌نویسند که جناب قونسول به دیوانخانه رفته و آدم فرستاده و اصرار دارند که قرانتین بگذارید و چنین و چنان کنید والا شکایت می‌کنم و در شهر گردش می‌نمایید، همه‌ها و وحشت غریبی بین مردم انداخته‌اند، در صورتی که خبر دارم طهران خبری نیست، فرضاً خبری هم باشد البته حکومت حتی المقدور به تکلیفات خودش عمل می‌نماید. اصرار و تحکم قونسول نمی‌دانم از چه راه است؟ اگر فوق‌العاده اقدامی مایل است یا مطلبی دارد رسماً به شما اظهار کنند». فدوی به طوریکه مقتضی بود مضمون مرقومات ایالت جلیله و اظهارات اهالی را در ضمن رُقع به منشی‌باشی قونسولگری نوشته و اظهار داشت که دوستانه مطلب را به جناب قونسول حالی نموده، طوری بکنید که رفع همه‌ها و اضطراب مردم بشود. فردای آن روز مرقومه دیگری از ایالت جلیله برای فدوی رسیده و مرقوم فرموده بودند که فدوی رسماً به قونسولگری بنویسد. فدوی، به تغییر بعضی عبارات، شرحی به قونسولگری نوشته و جوابی از قونسولگری رسیده که اینک سواد مرقومه ثانوی ایالت و سواد سئوال و جواب کارگزاری و قونسولگری لغاً از عرض لحاظ مبارک می‌گذرد. و نیز با خود جناب قونسول در ضمن ملاقات دوستانه



آنچه لازم بود صحبت کرده، طوری نمود که عجلانتهٔ مردم ساکت شده و از همه‌مه افتاده‌اند سواد سؤال و جواب کارگزاری و قونسولگری را نیز برای حضرت ایالت به شاهکوه فرستاد، بعدها به هرجا مُنتهی شود باز به عرض خواهد رسانید. زیاده جسارت است. فدوی حسین
متن سند:

رونوشت نامه حکمران استرآباد به کارگزار استرآباد در باب جلوگیری از دخالت کنسولگری در اجرای قرنطینه و پاکسازی شهر



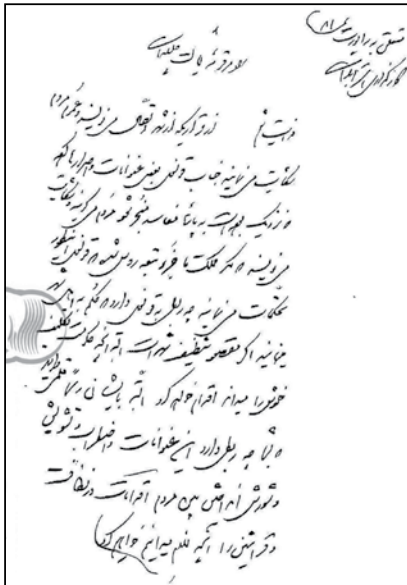
متعلق به راپورت نمرة ۸۱ کارگزاری استرآباد است
هو
سواد مرقومهٔ ایالت جلیله است
فدایت شوم از قراری که از شهر اتصال
می‌نویسند و عموم مردم شکایت می‌نمایند
جناب قونسول بعضی عنوانات و اصرارها
کرده که نزدیک بوده است به پاره‌[ای]
مفاسد مُنجر شود. مردم می‌گویند و شکایت
می‌نویسند که مگر مملکت ما جزء تبعه روس
شده که قونسول این‌طور تحکّمات می‌نمایند؟
چه ربطی به قونسول دارد که حُکم به اهل
شهر می‌نمایند؟ اگر مقصود نظیف شهر
است، البته آن‌چه حکومت تکلیف خودش
را می‌داند اقدام خواهد کرد. البته به ایشان
رسماً قلمی دارید که به شما چه ربطی دارد
این عنوانات و اضطراب و تشویش و شورش
انداختن بین مردم؟ اقدامات در نظافت و
قرانتین را آن‌چه لازم می‌دانیم خواهیم کرد.

رونوشت نامه کارگزاری وزارت خارجه به کنسولگری استرآباد در خصوص اقدامات کنسول
روس بابت نظافت شهر و ایجاد قرنطینه و شکایت اهالی از این تحکّمات کنسولگری

متن سند:

سواد شرحی است که از کارگزاری به قونسولگری استرآباد نوشته شده
۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲

جناب جلالت و فخامت مآبا دوستان استظهرا مشفق محترم مهربانا
بندگان حضرت ایالت جلیله استرآباد دامت شوکه بعد از آن شرحی که دو روز قبل به دوستدار
مرفوم فرموده بودند و دوستدار کتبا به توسط سرکار مُنشی‌باشی قونسولگری مُحترم به آن جناب



دوست محترم مهربان اطلاع داده، مُجدداً در ضمن مرقومات خودشان به دوستدار مرقوم فرموده‌اند (از قراریکه از شهر اتصال می‌نویسند و مردم شکایت می‌نمایند جناب قونسول بعضی عنوانات و اصرارها کرده‌اند که نزدیک بوده است به پاره‌[ای] مفاسد مُنجر شود. مردم می‌گویند و شکایت می‌نویسند که جناب قونسول به چه مُناسبت این‌طور تحکّمات می‌نماید؟ اگر مقصود تنظیف شهر است البته آن‌چه حکومت تکلیف خودش را می‌داند اقدام خواهد کرد، چه ربطی به جناب قونسول دارد که حُکم به اهل شهر می‌نماید؟ البته به جناب ایشان بنویسید این عنوانات و اضطراب و تشویش و شورش انداختن بین مردم مُناسبتی ندارد و اقدامات در نظافت و قراتین را آن‌چه لازم می‌دانیم خواهیم

کرد) مقصود حضرت ایالت جلیله از این اظهارات این است که مبدا خدای نخواست اهلالی شهر از این عنوانات وحشت کرده، به هیجان آمده، بعضی اقداماتی بنمایند که مُنجر به فتنه و فساد شده و اسباب زحمت و اشکالات فراهم آید.

علیهذا امیدوار است آن دوست مکرم معظم مهربان رعایت و مُلاحظه این نکته را فرموده، مُتعرّض اهلالی نخواهند شد. زیاده زحمت‌افزا نشد. حُسین.

سند شماره چهار (۴)

پاسخ کنسول روسیه در استرآباد به کارگزار استرآباد، در باب اتهام به دخالت در امور حکومتی و ایجاد تشویش و اضطراب در بین اهلالی شهر استرآباد

متن سند:

متعلق بعریضه راپورت نمره ۸۱ کارگزاری استرآباد است

هو

سواد مراسله جوابیه قونسولگری روس است که به کارگزاری استرآباد نوشته شده

جناب جلالتمآباد دوست محترم مشفق مُکرم مهربانا

رقیمه شریف که حاکی به ابلاغ مرقومه جناب جلالتمآباد اجل سردارافخم حُکمران بود واصل و از مضامینش من البدایه الی النّهایه استحضار حاصل گردید. جواباً زحمت‌افزاست درباب قرارداد تنظیفات شهر و جلوگیری مرض و بء اقداماتی که منافای دوستی و ضرر ملک و ملّتی باشد به عمل نیاورده که اسباب اضطراب [و] فتنه و فساد اهلالی استرآباد بشود، دوستدار به خیال خود در غیاب ایالت جلیله منتها دوستی و همراهی کرده است، حال معلوم می‌شود به این اقدامات تصورات دیگر

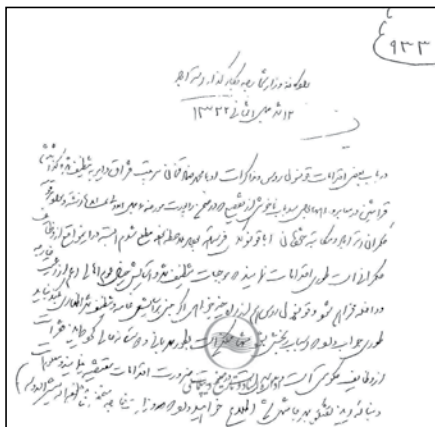


نموده‌اند. اگرچه این گونه اقدامات لازمه تماماً تکالیف شخص حکمران است، همین قدر انتشار بهمرسانید که وباء در طهران بروز کرده، لازم بود تنظیفات شهر و ترتیبات جلوگیری وباء و رعایت حال اهالی این مملکت را ترجیح به عیش و عشرت بیلاق داده، فوراً به شهر مراجعت فرموده، اقدامات مُجددانه و اسباب جلوگیری این مرض را به عمل بیاورند که مایهٔ راحت و آسایش عموم سکنة استرآباد باشد. خودشان که شهر تشریف نیاوردند، نائب‌الحکومهٔ درستی هم نگذاشته‌اند. دو نفر نایب‌الحکومهٔ استرآبادی برقرار کرده‌اند که هر دو را قونسولگری خوب می‌شناسد و ابداً لایق نمی‌داند با این طور اشخاص سئوال و جواب کرده و یا کار رجوع نماید. به این واسطه با عمده‌الامراء العظام محمدصادق خان سرتیپ قزاق گفتگو نموده، به جهت تنظیف شهر قرار دادیم که به جاهای لازم قرائتینه بگذارند، کوچه‌ها را پاک و تمیز نمایند، حوض‌های خانه‌ها را پاک کنند، آب حمام‌ها را عوض نمایند، غسالخانه بسازند که مُرده‌ها را در میان خانه نشوند که تولید اغلب امراض می‌گردد، در میان شهر مُرده‌ها را دفن نکنند، میوه‌جات به شهر نیاورند، قانون جلوگیری وباء این‌ها بود. بعد؛ مراتب را به خود جناب معظم‌الیه نیز همان اوقات نوشت، گویا این قرارداد جلوگیری وباء و اقدامات دوستدار را غیر از راحت و آسایش خاطر عموم اهالی استرآباد تصور کرده‌اند. حال اگر خیال ندارند رعایت حال اهالی را منظور داشته، جلوگیری این مرض بفرمایند، به دوستدار لازم حقی است رعایت اتباع روس و اجزاء قونسولگری را منظور داشته حکمران را به تنظیف شهر و جلوگیری این مرض باز دارد و به ایشان هم لازم است اسباب جلوگیری وباء را

از هر حیثیت فراهم بیاورند. و از بازار به قونسولگری خبر رسیده که بعضی اشخاص می گفته اند «در طهران ابداً ناخوشی وباء نیست، قونسولگری مخصوصاً این انتشار را داده است محض این که در جنگ، ژاپون به قشون رُوس شکست داده است، مردم به خیال وباء افتاده، از جنگ روس و ژاپون گفتگوئی نکنند». چنانچه خود حکمران هم نوشته اند «خبر دارم در طهران از ناخوشی خبری نیست!»! دوستدار هر چه خیال می کند، این گفتگوهای بازاری بدون تحریک نیست. کارگزاران استرآباد خوب ملتفت این نکات دقیق باشند و این گونه مطالب را سهل شمارند. مُجدداً هم خواهشمند است زودتر اسباب جلوگیری این مرض را فراهم بیاورند. قونسولگری هم محض حفظ نفوس تبعه روس و اجزاء خود لازم می داند اقدامات لازمه بنماید. هرگاه به فرمایش حکمران اقدامات دوستدار نزدیک بوده است به پاره [ای] مفاسد منجر شود [و] فتنه و فساد روی کار بیاید، خاطر شریف مسبوق است در این موارد هم مسئول خود ایالت جلیله خواهد بود. امیدوار است قونسولگری را در گذاشتن قرانتین به همه راهها و تنظیفات شهر و از این گونه مفاسدی که نوشته اند مُطمئن سازند و الاّ جواب دهند که قونسولگری بر حسب تکالیف خود عمل نماید. زیاده زحمت ندارد. فی ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۲ (محل مهر)

رونوشت نامه وزارت خارجه به کارگزار استرآباد در باب مناقشات با کنسول روسیه

در باب جلوگیری از شیوع وبا



نمره ۹۳۳

سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگزار استرآباد

۱۲ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۲

در باب بعضی اقدامات قونسول روس و مذاکرات او با محمدصادق خان سرتیپ قزاق دایر به تنظیف شهر و گذاشتن قرانتین در معابر و راهها برای سد باب ناخوشی از تفضیلی که در ضمن راپورت مورخه ۶ جمادی الاولی نمره ۸۱ نوشته و سواد مرقومه حکمران استرآباد و مکاتبه خودتان [ر] با قونسولگری فرستاده

۱ - مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه (جلد دوم، چاپ سوم)، تهران: انتشارات زوار، ص ۵۸

۲ - همان، ص ۲۵۶

۳ - سپهر، عبدالحسین (۱۳۸۶)، مرآت الوقایع مظفری (جلد دوم)، تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب، صص ۷۱۳-۷۱۴

۴ - قرانتین = قرنینه یا قرنطینه؛ این واژه نخستین بار با املای «قرانتین» در سال ۱۲۵۳ ق (دوران سلطنت محمدشاه قاجار) توسط میرزا موسی طبیب ساوجی در کتاب «دستورالطبایه فی علاج الوباء» وارد متون فارسی و سپس محاوره‌ی عمومی شده است.

بودید ملاحظه نموده مطلع شدم. البته در این مواقع از وظایف حکمرانی است طوری اقدامات نمایند که موجبات تنظیف شهر و آسایش خیال عموم اهالی اعم از رعیت خارجه و داخله فراهم شود و قونسول روس هم از راه خیرخواهی اگر مبنی بر آسایش عامه و تنظیف شهر اظهاری بکند، نباید طوری جواب داد که اسباب رنجش بشود، منتها ممکن است به طور مهربانی و دوستانه حالی کرد که این فقرات از وظایف حکومتی است و بدیهی است در صورت ضرورت اقدامات مقتضیه می نمایند و معلوم است. دنباله این گفتگو به هرجا منتهی شد اطلاع خواهید داد که وزارت خارجه مستحضر شود. (نصراله مشیرالدوله)